



ناگفته‌هایی از جلسه استیضاح وزیر اقتصاد دولت دهم

• بادامچیان از نمایندگان وقت مجلس در جریان استیضاح من به عنوان وزیر اقتصاد درباره پرونده فساد بزرگ بانکی، گفت: آقای حسینی نگران نباشید؛ برای حفظ نظام باید آبرو هم داد

گزارش

در شماره‌های اخیر «ایران اقتصادی»، بررسی جلد اول کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران به موضوع پرونده فساد بزرگ بانکی پرداخته است. سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت محمود احمدی‌نژاد، در این خصوص توضیحاتی ارائه کرده و می‌گوید که خاوری، مدیرعامل فراری بانک ملی ایران در آن زمان برای تصدی مدیریت این بانک، از سوی مراجع ذیصلاح تأیید شده بود. در شماره امروز نیز وی، جزئیات بیشتری از ماجرای پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی را بیان کرده است.

• نمایندگان مجلس این حرف‌ها را در جلسات خصوصی به شما می‌گفتند؟

شما وقتی دارای مسئولیت سیاسی هستید و با مجلس همکاری می‌کنید باید بدانید مسئولیت سیاسی بسته‌ای از مناسبات علنی و غیرعلنی است. ضمن اینکه رابطه دولت و مجلس فقط در جلسات علنی و غیرعلنی نیست، بلکه پیغام، پیشنهاد، توصیه و... در این ارتباطات مسأله‌ای عرف و رایج است.

اگر یادتان باشد در ابتدا فشارهایی که به ما وارد می‌شد با دوز بالای بود، اما بعد، رفته رفته وقتی قضایا روشن‌تر و شفاف‌تر شد، این افراد به مرحله‌ای رسیدند که می‌گفتند: «حیثیت مجلس یا حتی نظام در خطر است برای همین باید چند نفر فداکاری کرده و استعفا دهند.» وقتی قضایا جلوتر رفت، به مرحله‌ای رسیدند که معتقد بودند حالا خیلی هم نیاز نیست وزیر اقتصاد استیضاح و رئیس کل بانک مرکزی برکنار شود. بهتر است یک نفر از وزارت اقتصاد و یک نفر از بانک مرکزی برکنار شوند تا مسأله حل شود. جالب اینجاست این افراد یک بار از من خواستند تا قائم مقام بانک مرکزی را برکنار کنم. من به آنها گفتم: «شما مگر در ایران زندگی نمی‌کنید؟ برکناری قائم مقام بانک مرکزی اصلاً در حیطه اختیارات من نیست.» می‌گفتند:

«باشد، تو برو به احمدی‌نژاد بگو، قائم مقام بانک مرکزی را برکنار کند.» یا در جلسه دیگری در محل کمیسیون اصل ۹۰ به من می‌گفتند: «آقای ابوالحسنی را برکنار کنید.» می‌گفتم: چرا باید او را برکنار کنم؟ فردی که رزمنده و غواص دوران جنگ بوده، در سال‌های جنگ شیمیایی شده، دکتر و متخصص پول و بانکداری است، در دانشگاه امام صادق (ع) درس خوانده و در جریانات سیاسی هم جزء نیروهای حزب‌اللهی و متدین بوده است، من با چه دلیلی او را برکنار کنم؟ در همان جلسه وقتی من این حرف‌ها را زدم، آقای نکرانم رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: ما هم این حرف‌ها را قبول داریم و حتی در جریان رسیدگی به این پرونده هم چیزی علیه آقای ابوالحسنی وجود ندارد. این را هم اضافه کنم تا آنجا که خبر دارم حساب‌های بانکی همه ما از جمله ایشان کنترل شده بود که البته اشکالی هم ندارد. یاد هست آقای ابوالحسنی فکر می‌کنم حدود ۱۰ میلیون تومان به بانکی بدهکار بود که آن هم داستان جالبی دارد. قضیه این بود که وی عضو هیأت مدیره شرکتی البته خارج از وزارت امور اقتصادی و دارایی بودند که البته هیچ ربطی هم به این ماجراها نداشت. رئیس مجمع یا هیأت مدیره وقتی می‌خواستند پاداش آخر سال را به اعضای هیأت

مدیره بدهند، گویا اسم ایشان با شخص دیگری اشتباه شده و مثلاً به جای ۴ میلیون تومان، حدود ۱۵ میلیون تومان به حساب وی واریز می‌شود. ابوالحسنی هم فکر می‌کند این رقم از طرف دانشگاهی که استاد آن است برایش واریز شده، برای همین آن را خرج می‌کند. چند ماه بعد، از طرف بانک با وی تماس می‌گیرند که آقا این مقدار پول اشتباهاً به حساب شما واریز شده است. این پول را به بانک برگردانید. ابوالحسنی هم می‌گوید: عجب! بسیار خب، من از این موضوع مطلع نبودم و این پول را خرج کرده‌ام. الان هم این پول را ندارم در اولین فرصتی که این پول را تهیه کردم حتماً آن را به بانک پس می‌دهم. این مجموع مبلغ مشکوک در حساب‌های آقای ابوالحسنی بود! در آن جلسه به آقای نکرانم گفتم: اگر شما ایشان را تأیید می‌کنید چگونه چنین درخواستی دارید. وی گفت: من همه این حرف‌ها را می‌دانم و ابوالحسنی را هم قبول دارم. اما عضو دیگر جلسه گفت: مگر شما نمی‌گویید وی غواص جنگ بوده است. الان زمان این فرارسیده است که وی یکبار دیگر، در راه نظام فداکاری کند. شما با او صحبت کنید تا استعفا دهد، یعنی برکناری تبدیل به استعفا شد. من به آنها گفتم: آقایان، شما از من می‌خواهید به یک



من به آنها گفتم: آقایان، شما از من می‌خواهید به یک بچه حزب‌اللهی که زیر نظر من کار می‌کند بگویم: «تو برو تا من بمانم، من این کار را نمی‌کنم، اگر خیلی اصرار دارید خودتان این کار را انجام دهید.» این جلسه مثلاً محرمانه بود! اما هفته بعد، در یکی از اعضای حاضر در این جلسه، که در رسانه‌ها نیز منتشر شد، مدعی شد ما با وزیر اقتصاد تفاهم کرده‌ایم تا معاون بانکی خود را برکنار کند.

بچه حزب‌اللهی که زیر نظر من کار می‌کند، بگویم: «تو برو تا من بمانم، من این کار را نمی‌کنم، اگر خیلی اصرار دارید خودتان این کار را انجام دهید.» این جلسه مثلاً محرمانه بود! اما هفته بعد، یکی از اعضای حاضر در این جلسه، که در رسانه‌ها نیز منتشر شد، مدعی شد ما با وزیر اقتصاد تفاهم کرده‌ایم تا معاون بانکی خود را برکنار کند.



بشرش

پیغام نمایندگان به وزیر اقتصاد

من نمی‌توانم بگویم نطق لاریجانی به من کمک نکرد، اما رأی مخالفان استیضاح حدود ۱۴۰ رأی و آرای ممتنع ۱۰ رأی و در کنار آنها ۹۰ نفر طرفدار استیضاح من بودند، یعنی با تمام فضا سازی‌هایی که صورت گرفت در مجموع ۱۵۰ نفر با استیضاح من مخالف بودند. من در این رابطه به حرف‌های علی مطهری اشاره می‌کنم. او بعدها در مورد استیضاح من گفته بود: «مجلس منهای تخلف بزرگ بانکی، وزیر اقتصاد را وزیر موفقی می‌دانست. دفاع وزیر مؤثر بود و استیضاح‌کنندگان دلایلی نداشتند، لذا رأی نیاوردن استیضاح وی به خاطر دفاع لاریجانی نبود.» اما در مورد سؤال شما باید بگویم لاریجانی تا میزانی به آرای ممتنع کمک کرد تا به رأی موافق به من تبدیل شوند. اما جریان استیضاح من آنقدر به‌چیده بود که حتی تعداد قابل توجهی از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس به من پیغام دادند «ما در جلسه استیضاح، به استیضاح تو رأی نخواهیم داد اما از ما انتظار نداشته باش در مجلس یا در گفت‌وگو با رسانه‌ها موافق یا به نفع تو صحبت کنیم. ما در مخالفت‌مان با دولت کار خودمان را می‌کنیم اما در قبال وزارت تو، انصاف را زیر پا نگذاشته و در مجلس به نفع تو رأی خواهیم داد.»

از سوی ایشان درک یا احساس می‌کردم، مطمئن باشید تابع بوده و برای استعفا لحظه‌ای درنگ نمی‌کردم.

• درباره دوتابعیتی بودن محمودرضا خاوری بگویید؟ آیا می‌دانستید او دوتابعیتی است؟

اتفاقاً بعدها یکی از ایراداتی که به ما می‌گرفتند این بود که چرا خاوری دوتابعیتی بود. یک کار حقوقی در کشور ما صورت گرفت که آیا نظام حقوقی ما مسأله دوتابعیتی بودن را برمی‌تابد یا نه؟ بعد از بررسی‌ها مشخص شد نظام حکومتی ما دوتابعیتی بودن را بر نمی‌تابد. یعنی نمی‌توانید بگویید چون من تابعیت دوم دارم نباید به پرونده قضایی من در داخل ایران رسیدگی شود. شما وقتی تابعیت ایران را دارید، هر کاری که در ایران انجام دهید باید تابع احکام قضایی آن نیز باشید. ضمن اینکه به فرض صحت دوتابعیتی بودن خاوری، وزیر اقتصاد یا هر مقام دیگری از کجا باید تشخیص دهد که شما دو شناسنامه یا دو تابعیت دارید؟